وعده عدم ترس و اندوه - تسنيم

جمله (ولاخَوفٌ عَلَيهِم ولاهُم يَحزَنون) وعده نترسيدن و غمناك نشدن به انفاق‏كنندگان دائمي است، بنابراين در حقيقت، انشا و در ظاهر اخبار است.

گاهي انسانِ مؤمن بر اثر ندانستن قبول يا نكول نگران است، يا بر اثر نرسيدن پاداش يا كاهش آن اندوهگين و با اين دلگرمي كه پاداش كارش نزد خداست و به او باز مي‏گردد، خود را آرام مي‏كند، چنان‏كه بعداً غمناك هم نخواهد شد؛ ولي گاهي قلبش به گونه‏اي آرام است كه هيچ حزن و هراسي در آن راه ندارد؛ مانند زكات دهندگان هميشگي، زيرا از دو عنصر محوري آرامش كه مرجع نهايي آنها به يك اصل است برخوردارند:

1. انفاق كننده‏اي كه از نظر حسن فعلي مال حلال و طيب را برمي‏گزيند و از نظر حسن فاعلي قصد قربت داشته و از منّت،ايذاء، رياء و سمعه، مصون است، از فيض تثبيت نفس متنعّم است: (وتَثبيتاً مِن أنفُسِهِم).[1]

2. چنين انفاق كننده‏اي كه دائماً با تصدق مأنوس است مستمراً به ياد خداست و ياد الهي اطمينان‏آور است، بنابراين، قلب ثابت و مطمئن چنين مؤمني از آسيب ترس و گزند حزن محفوظ است.

وعده عدم ترس و حزن، افزون بر پاداش انفاق است. قرآن كريم در بسياري از موارد براي عملي پاداشِ معيّن بيان مي‏كند؛ ولي در برخي موارد به پاداشي بهتر از كار خير وعده مي‏دهد؛ مانند آيه (مَن جاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ خَيرٌ مِنها)[2] كه عدم ترس و اندوه نيز از مصاديق آن است.

نتيجه آنكه (ولاخَوفٌ عَلَيهِم ولاهُم يَحزَنون) تكرار (فَلَهُم أجرُهُم عِندَ رَبِّهِم) نيست؛ بلكه محفوظ بودن پاداش عمل، مسلّم است و افزون بر آن، در صحنه محشر و انتظار براي حسابرسي كه دلهاي همگان مي‏تپد، منفقان دائمي از هراس و اندوه مصون‏اند و هيچ ترس و اندوهي ندارند.[تسنيم، جلد 12 - صفحه 513]